

جنبش دهقانی گیلان در عصر مشروطه

اعظم اسماعیل‌زاده* - علی‌رضا علی‌صوفی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه پیام نور - دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: (۹۵/۰۸/۱۰) تاریخ پذیرش: (۹۵/۱۱/۰۲)

The Farmers' Movement of Gilan Province During the Constitutional Era

Azam Esmailzadeh*, Alireza Alisoufi

Ph.D Student Iran History at the Islamic Period at the Payam-e Noor University,
Associate Professor of History Department at the Payam-e Noor University

Received: (2016/11/01)

Accepted: (2017/01/21)

Abstract

Lack of identified farmers' resources at the national level and the difficulties of organizing them in sporadic villages of Iran caused the farmers not to participate as a social class in the course of the Constitutional Revolution, but during the Constitutionalism, a number of the farmers' movements took place in some regions of the country. Gilan province was one of the regions whose farmers were involved seriously, almost throughout the region, in the struggle against landowners. The farmers performed various actions to challenge against the landowners during the movement and got benefit from different political groups and parties such as Ejtemā'iyun (the ordinary people), Amiyun (volgur people), Abbasi society and the Social Democrats of Gilan province. The main purpose of the present paper is to investigate, through application of the descriptive-analytic method, the research problem here which is the farmers' struggle against the landowners during the movement, with regard to the political parties' supports and based on the historical resources and some published newspapers of the constitutional era. The findings of the research suggest that the farmers during different stages of the movement did various actions such as not paying the landowners' interest, disagreement with the property owners and sending them out of the villages, and the establishment of rural local societies. After two years of the farmers' challenging with landowners, despite farmers' temporary victories, due to lack of the support of the Majlis and state societies of Gilan province from the farmers, finally the farmers' movement got defeated and the "Arbab-rayati" system was established once again in Gilan province.

Keywords: Gilan, movement, farmers, Arbab (landowners), parties.

چکیده

مشخص نبودن منابع دهقانان در سطح ملی و مشکلات سازماندهی آنان در روستاهای جدا و پراکنده ایران مانع از آن شد که دهقانان به عنوان یک طبقه در جریان انقلاب مشروطیت شرکت داشته باشند اما در عصر مشروطه، جنبش‌های دهقانی چندی در برخی از مناطق کشور رخ داد. سرزمین گیلان یکی از مناطقی بود که دهقانان آن، به‌طور جدی، تقریباً در سراسر منطقه، درگیر جنبش دهقانی بر علیه اربابان بودند. دهقانان در طی جنبش اقدامات متفاوتی جهت مبارزه با اربابان انجام دادند و از حمایت گروه‌ها و احزاب سیاسی همچون اجتماع‌یون عامیون، انجمن عباسی و سوسیال دموکرات‌های گیلان بهره‌مند شدند. هدف مقاله بررسی مسئله تحقیق، یعنی چگونگی اقدامات دهقانان در طی جنبش بر علیه اربابان، با توجه به حمایت‌های احزاب سیاسی، براساس منابع تاریخی و برخی از روزنامه‌های عصر مشروطه به روش توصیفی - تحلیلی است. دستاوردهای تحقیق نشان داد دهقانان طی مراحل مختلف جنبش، به اقداماتی نظیر نپرداختن بهره مالکانه، زدو خورد و درگیری با مالکان و اخراج آنان از روستاها، و تشکیل انجمن‌های روستایی دست زدند. پس از دو سال درگیری دهقانان با مالکان، علی‌رغم پیروزی‌های موقت دهقانان، به دلیل عدم حمایت مجلس و انجمن ولایتی گیلان از دهقانان، جنبش دهقانی با شکست به پایان رسید و بار دیگر نظام ارباب - رعیتی بر گیلان حکمفرما شد.

واژه‌های کلیدی: گیلان، جنبش، دهقان، ارباب، احزاب.

مقدمه

قاجاریه، با اندک تفاوتی، وارث نظام اجتماعی و زمین‌داری عصر صفویه شد. نظام اقتصادی دوره قاجاریه بر مبنای زمین‌داری بزرگ نهاده شده بود و شاه بزرگترین زمین‌دار کشور بود. تا اواسط قرن نوزدهم بخش بزرگی از زمین‌های کشاورزی و دهات ایران در تملک شاهان قرار داشت. شاهان به دلیل احتیاجات مالی، اراضی خالصه را می‌فروختند و دهقانان به دلیل وام‌های نپرداخته و ثبت زمین، به عنوان املاک خصوصی از طرف مالکین، حقوق خود را نسبت به زمین از دست می‌دادند. قدرت سیاسی و منزلت اجتماعی برای افراد طبقات مسلط ابزار لازم را برای مالکیت و اداره زمین‌های بزرگ فراهم می‌کرد. افراد بالا رتبه می‌توانستند در حین تصدی شغل دولتی در ایالات، صاحب میزان قابل توجهی زمین شوند.

اگرچه ابعاد روستایی انقلاب مشروطه و جنبش دهقانی در آن دوره عمدتاً نامکشوف باقی مانده است و اکثر منابع اعتقاد بر منفعل بودن نقش دهقانان در انقلاب مشروطیت دارند، اما این خصیصه در مورد دهقانان گیلان صدق نمی‌کند، سنت جنبش‌های دهقانی این منطقه در طول تاریخ بسیار بارز بوده است. گیلان در دوره‌های مختلف، شاهد جنبش‌های دهقانی متعدد بود، از جمله قیام روستاییان بخش خاوری گیلان در قرن هشتم علیه امیران فئودال ناصروند و قیام کشاورزان لشت‌نشاء به رهبری امیره دوباج در عصر صفوی (فومنی، ۱۳۴۹: ۵۸). در دوره افشاریان و زندیان هم قیام‌های چندی از طرف دهقانان گیلان صورت گرفت. در دوره قاجاریه، قبل از انقلاب مشروطه، نیز چندین بار دهقانان در اعتراض به فشارهای مالیاتی و

اجحافات اربابان شکوائیه‌ها و عریضه‌ها نوشتند، اما تنها بعد از انقلاب مشروطه بود که آنها موفق شدند به‌طور گسترده، تقریباً در سراسر گیلان بر ضد نظام ارباب-رعیتی قیام کنند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که دهقانان گیلان در طی جنبش با حمایت احزاب سیاسی و انجمن‌ها به چه اقداماتی در مقابل اربابان دست زدند؟ می‌توان گفت در میان جنبش‌های دهقانی ایران در عصر مشروطه، گیلان شاهد پایدارترین و مرفقی‌ترین جنبش دهقانی بود. احزاب و انجمن‌های سیاسی، در ترقی و رشد جنبش، نقش بسزایی داشتند. از جمله این انجمن‌ها و حزب‌ها می‌توان به انجمن‌های مجاهدین، حزب سوسیال دموکرات و انجمن ابوالفضل (عباسی) اشاره کرد. موقعیت جغرافیایی خاص گیلان نیز موجب شد تا جنبش دهقانی این منطقه در دوره مشروطه به گونه پیوسته، منظم و متشکل پدیدار شود. عامل اصلی شروع جنبش دهقانی بهره‌کشی و ظلم ارباب در حق رعیت بود. جنبش دهقانان که در پاسخ به اجحافات بیش از اندازه اربابان در حق آنان بود — علی‌رغم حمایت‌های گروه‌ها و احزاب سیاسی از جنبش و گستردگی آن در اکثر مناطق گیلان — سرکوب شد. این عدم موفقیت از یک طرف به دلیل عدم حمایت مجلس و دولت از دهقانان و از طرف دیگر، به علل قدرت و نفوذ مالکین، حمایت مجلس و دولت و انجمن ولایتی گیلان از مالکان بود. دهقانان گیلان نخست؛ مبارزه خود را با نپرداختن بهره مالکانه و مال‌الاجاره در مقابل ارباب شروع کردند و طی تلگراف‌های متعدد خود، از مجلس خواستند که به احوالشان رسیدگی

معامله، به خود اختصاص می داد. اقتصاد اربابی بر پایه اقتصاد طبیعی قرار داشت. در چنین اقتصادی جامعه روستایی بر خانوارهای روستایی خودکفا بنا شده بود و رابطه مبادلاتی و اجتماعی ده با خارج از ده بسیار ضعیف بود؛ به عبارت دیگر، در نظام اربابی، تولید به طور عمده برای مصرف انجام می شد و ارباب فئودال نگران افزایش حجم تولید نبود، از طرفی نبودن راه های ارتباطی مناسب امکان ارسال اضافه محصول را به سایر نقاط غیرممکن می ساخت و تمامی محصول اضافی و حتی پول و ثروت برای مصرف در دست ارباب قرار داشت (سوداگر، ۱۳۵۹: ۲۵). جماعت رعیت در هر ده به گونه ای دسته جمعی با مالکان و متصرفان در ارتباط بودند. روستاییان به دو دسته تقسیم می شدند: اکثریتی از زارعان سهم بر و کشاورزان اجاره دار؛ اقلیتی از خوش نشینان. شیوه مزارعه و اجاره مورد تأیید فقه اسلامی بود. بنابر قاعده، زارع سهم بر سهمی از محصول (از $\frac{3}{5}$ تا $\frac{2}{5}$) بر پایه میزان مشارکت خود در عناصر تولید (زمین، آب، کار، بذر و گاو) دریافت می کرد. زارعان اجاره دار، اجاره ثابتی به صورت نقدی و جنسی می پرداختند. زارعان سهم بر و کشاورزان اجاره دار هر دو دارای حق نسق یا حق ریشه در تکه هایی از زمین بودند که در آن زراعت می کردند (اشرف؛ بنوعیزی، ۱۳۹۳: ۶۲). دهقانان سهم بر به همراه خوش نشینان ستون فقرات جامعه دهقانی گیلان را تشکیل می دادند، آنان از مالکیت زمین محروم بودند. زارعان سهم بر از حق کشت نسق بهره مند بودند، اما روستاییان خوش نشین از این حق هم محروم

کند اما چون مجلس به حمایت آنها نپرداخت، دهقانان با اربابان خود درگیر و موفق شدند آنها را از ملک خود بیرون کنند. همچنین دهقانان در ضمن مبارزات خود علیه مالکین، اقدام به تشکیل انجمن های روستایی کردند. این احزاب و انجمن ها که در واقع اهداف و خواسته های دهقانان را پی گیری می نمودند. مورد خشم مالکان قرار گرفتند و در نهایت مالکان، با همدستی مجلس، موفق به برچیدن برخی از آنان شدند. در واقع دهقانان گیلان با حمایت انجمن ها و احزاب توانستند - هرچند به طور موقت - موفقیت هایی در مقابل اربابان به دست آورند.

در این پژوهش ابتدا نگاهی به نظام زمین داری و وضعیت دهقانان گیلان در آستانه انقلاب مشروطه می افکنیم سپس به بررسی جنبش دهقانی گیلان در عصر مشروطه می پردازیم.

نظام زمین داری گیلان در دوره قاجار

قاجاریه، با اندک تفاوتی، وارث نظام اجتماعی و زمین داری زمان صفویه شد. نظام اقتصادی دوره قاجار، بر مبنای زمین داری بزرگ نهاده شده بود. خصوصیت ملک داری دوره صفویه، یعنی نبودن اشرافیت متکی بر مالکیت ارضی، در دوره قاجاریه نیز همچنان ادامه داشت (خسروی، ۱۳۵۵: ۱۹). نظام زمین داری گیلان در دوره قاجاریه مبتنی بر نظام «ارباب - رعیتی» بود. نظام ارباب - رعیتی را دوطبقه مالک (ارباب) و دهقان (رعیت، زارع) تشکیل می دادند. ارباب، مالک زمین، آب، بذر، گاو یعنی وسایل تولید بود ولی در امر تولید شرکت نداشت و بخشی از محصول را، طبق شرایط

بودند، این خوش‌نشین‌ها برای معیشت خود مبارزه می‌کردند. فقدان فرصت شغلی دیگر در مراکز شهری، آنان را وادار ساخت با دستمزدهای پایین کار کنند که معمولاً به صورت جنسی پرداخت می‌شد و کفاف زندگیشان را نمی‌داد (ولی، ۱۳۸۰: ۳۱). در واقع ارباب حاکم مطلق‌العنان بود و اراده خود را، با اعمال زور و فشارهای اقتصادی، به رعیت و جامعه روستایی تحمیل می‌کرد. نظام ظالمانه مالکیت بر زمین، شیوه سهم‌بری از محصول و ده‌ها نوع عوارض مختلف در نهایت تنها یک روزی بخور و نمیر در کف رعیت می‌گذاشت.

وضعیت دهقانان گیلان در آستانه انقلاب مشروطه

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، بخش اعظم جمعیت ایران در روستاها زندگی می‌کردند. مالکیت خصوصی خان‌ها و ملاکین، مبنای اصلی مناسبات کشاورزی را در روستاها تشکیل می‌داد. رسم تیول که در عوض پاداش از طرف شاهان به نظامیان و اشراف داده می‌شد، از دلایل بی‌نظمی و بی‌سامانی ایالات و اوضاع وخیم اقتصادی و اجتماعی دهقانان بود. در کنار عوامل یادشده نباید از تأثیر غرب نیز غافل باشیم. در این زمان، در نتیجه رشد سرمایه‌داری در کشورهای اروپای غربی و سپس روسیه تزاری، روابط اقتصادی ایران با بازارهای خارجی اهمیت و گسترش یافت. بر اثر افزایش صدور مواد خام کشاورزی در بازارهای جهانی، نه فقط از رشد صنایع جلوگیری به عمل آمد، بلکه در نتیجه رشد سرمایه‌داری تجاری وابسته، سلسله تغییرات عمیق در اقتصاد جامعه ایران رخ داد. رهبران فتودال و عشایر برای اعتلای

مقامشان از تحولات اقتصادی، که ارمغان تماس با غرب بود، سود بردند و گروه‌های جدیدی تشویق شدند تا، به منظور بهره بیشتر، در املاک بزرگ سرمایه‌گذاری کنند (رواسانی، ۱۳۹۰: ۵۸؛ عیسوی، ۱۳۸۸: ۸۲). زین‌العابدین مراغه‌ای، در سیاحتنامه ابراهیم‌بیگ، در خصوص وضعیت رعایا و دهقانان دوره قاجار چنین می‌نویسد: «همان‌طوری که در فن طب و تشریح به درجه ثبوت رسیده که پس از هضم طعام، هرگاه به معده غذایی وارد شود، طحال به لحاظ اینکه معده بالمره خالی نماند، قدری سودا به معده می‌ریزد تا سبب اختلال عمل معده نشود، همچنان خزانه دولت که به مثابه معده مملکت است، هر وقت که از نقود خالی گردد، رعایا و بزرگان از سعی و عملشان نقد و جنس را که به جای غذای آن معده است، از هر سو گرد آورده به آنجا می‌ریزند تا خالی نماند و سبب اختلال مزاج دولت نشود» (مراغه‌ای، ۱۳۵۳: ۹۵). بسیاری از بررسی‌کنندگان قرن نوزدهم معتقدند که وضع دهقانان ایالات خزری به مراتب بهتر از سایر نواحی بوده است، اما با دقت در احوال دهقان گیلان در این عصر، این مسئله رد می‌شود. به‌طور کلی باید گفت وضعیت دهقانان گیلان، همانند دیگر دهقانان ایرانی، تابع تمامی شرایطی که به تخریب وضع اقتصادی و اجتماعی آنان منجر می‌شد، بود. روستاییان گیلان بیشتر در زمینه تولید برنج، چای، ابریشم، زیتون، توتون، صیفی‌جات و محصولات دامی فعالیت می‌کردند. روش‌های زراعی در گیلان بی‌نهایت ابتدایی و هدف اصلی دهقانان تأمین معاش بخور و نمیر بود، نه تولید اضافی جهت عرضه در بازار. روزنامه آموزگار وضعیت دهقانان گیلان را هم‌زمان با نهضت

فشار مالیاتی و فرایند تجاری شدن کشاورزی، به شدت رو به وخامت گذاشت و در نهایت تعداد کثیری از آنها مجبور به مهاجرت به مناطق قفقاز و روسیه شدند. معمولاً در آستانه برداشت محصول، دهقان دستخوش فشار اقتصادی می شد و ذخیره فراهم آمده او به پایان می رسید. دلالت در این اوقات از فرصت بهره می گرفتند و دهقانان را که برای پیش فروش محصولاتشان وسوسه شده بودند، اغوا می کردند تا سهم محصول خودشان را به بهای ارزان بفروشند. گاهی اوقات مالکان، به انحای مختلف، زارعان را وادار می کردند که سهم خود را به ارباب در سرخرمن و مطابق قیمتی که خود مالک تعیین می کرد، بفروشند (لمبتون، ۱۳۷۷: ۶۶۳). در بسیاری از مناطق ایران دهقان، در عین کینه و نفرتی که از ظلم ارباب و اعوان او داشت، به دلایلی عدیده برای ادامه حیات خود و خانواده به او وابسته بودند و طبعاً نمی خواستند که از قدرت خان و ارباب کاسته شود چرا که آنها مدافع رعیت خود در مقابل قبایل و گروه های ایلات بودند. اما در گیلان ارباب و مالک هرگز چنین کارکردی نداشتند و نظام ارباب - رعیتی با شدت تمام در گیلان اجرا می شد؛ «به چوب بستن دهقانان در میادین شهر و روستا، اخذ حق مالکانه، گروگان گرفتن خانواده رعایا، اخراج از زمین کشاورزی بدون دلیل و فقط براساس تمایلات خان، از جمله رفتارهایی بود که در ولایت گیلان به طور فراوان از سوی ارباب سر می زد» (اشرف، ۱۳۲۵: ۷). دهقانان آرزوی زندگی بدون ارباب را داشتند چرا که ارباب در گیلان نماد کامل ظلم و ستم بود. نسیم شمال در اشعار خود وضعیت

مشروطه چنین می نویسد: «چون ما به حال رنجبران نظر نماییم، می بینیم قوت لایموت را در کمال سختی و بدبختی تحصیل می نمایند و غالب مجبور به دزدی و تقلب می شوند و اغلب رنجبران، محلی برای سکنی ندارند و عمیقاً قادر نیستند اولاد خود را به مدرسه بسپارند و همگی از داشتن سواد فارسی محرومند تا چه رسد به معلم؛ و خصوصاً زارعین، حتی قادر به شوهردادن دختران خود نیستند و بالاخره زندگی غالب رنجبران به اندازه زندگی بهایم هم نیست» (روزنامه آموزگار، ۱۳۲۹ق: ش ۲، ۳). علاوه بر روابط تولید مادی و مناسبات مالی، روابط انسانی در نظام ارباب - رعیتی با نظام کهنه قرون وسطایی متناسب است و از بیخ و بن با روابط آزاد انسانها منافات دارد. قدرت حاکمیت مالکان نه تنها در مورد دهقانان، بلکه بر تمام ساکنان روستا جاری است. دهقان گیلانی، نه تنها به ارباب، بلکه به کسان زیادی باج می پرداخت. گذشته از مالک که قسمت عمده ای از حاصل کار دهقان را از او می گرفت، افراد دیگری نیز مانند ژاندارم، مطرب، درویش و... از دهقان باج می گرفتند. (مؤمنی، ۱۳۵۹: ۵۲)

در این دوره مالیات زمین افزایش یافت. روش های جمع آوری مالیات تابع نظم و نسق خاصی نبود. گزارش های این دوره از افزایش ۲۰ درصدی مالیات ها خبر می دهند: «در گیلان، حکومت محلی برای یافتن منابع تازه درآمد، اقداماتی در جهت تقسیم زمین های خالصه صورت داد در ضمن اینکه مالیات زمین به میزان ۲۰٪ افزایش یافت» (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۴ / ۶۱). اوضاع اقتصادی بسیاری از روستایان گیلان، در اثر

دهقانان گیلان را چنین به تصویر می‌کشد:

جگری نیست که خونین ز غم دهقان نیست
 علت آنست که انصاف درین ویران نیست
 یک‌طرف زارع بیچاره به صد رنج و عذاب
 غرق در مزرعه گردیده میان گل و آب
 آخر سال مباشر کندش خانه خراب
 همه آنست که انصاف درین ویران نیست
 زن زارع شده مستغرق گل تا به کمر
 کرده در مزرعه هر روز کمک با شوهر
 زن ارباب نشسته به سر بالش زر
 همه آنست که انصاف درین ویران نیست
 دختر زارع زحمت‌کش عریان و جوان
 زرد گردیده ز گرما و گرفته یرقان
 پسر نوس مالک به لهو و لعب است
 روز و شب مست و ملنگ است و به عیش و طرب است
 پسر زارع بدبخت گرفتار تب است
 همه آنست که انصاف درین ویران نیست
 (نسیم شمال، ۱۳۲۷: ش ۵۴ / ۴)

جنبش دهقانی گیلان در عصر مشروطه

فکر آزادی و حرکت مشروطه‌خواهی که در کانون شهرنشینی نشو و نما یافت، به روستا نیز راه باریکی پیدا کرد. در برخی از ولایات اثر این هوشیاری بین طبقه رعایا آشکار شد که پس از این حکمرانی به اراده مردم است. در مجلس هم گفته شد که با آزادی ملت، دهقانان دیگر بندگی هم‌جنس خودشان را نمی‌پذیرند تحول نسبی افق فکری تا یک‌درجه زمینه آگاهی نسبت به اشتراک منافع اجتماعی را میان رعایای بعضی ناحیه‌ها و پاره‌ای پیشه‌گران فراهم آورد، این تحول فکری عامل تحرک اجتماعی تازه‌ای گردید (آدمیت، ۱۳۸۷: ۴۶۱). این تحرک اجتماعی تازه، همان

جنبش‌های دهقانان در برخی از مناطق کشور بود. جنبش دهقانان گیلان در آستانه پیروزی انقلاب مشروطه و هم‌زمان با نخستین حرکت مردم رشت برای درخواست مشروطیت آغاز شد. با صدور فرمان مشروطه، در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ و گسترش پیام مشروطیت در میان روستاییان گیلان، دهقانان این ناحیه به صورت گسترده به پا برخاستند و جنبش آنان، با فراز و فرودهای بسیار، تا زمان استبداد صغیر در تیر ۱۲۸۷ش ادامه یافت.

می‌توان گفت در حالی که دهقانان اکثر مناطق ایران در جنبش مشروطه‌خواهی نقشی نداشتند، دهقانان گیلان در کنار سایر گروه‌ها، از مشروطیت دفاع می‌کردند. هم‌زمان با حرکت مردم پایتخت علیه عین‌الدوله و مستبدین، اولین حرکت عمومی برای درخواست «عدالت‌خانه» در رشت با تحصن دهقانان و دیگر اقشار مردم در «بقعه خواهر امام» رشت آغاز گردید. علت این تحصن، به حرکت دهقانان گسکرات در مقابل تعدیات شریف‌الممالک، نایب‌الحکومه گسکرات، برمی‌گشت. عطاءالله تدین به نقل از فرزند سید عبدالوهاب صالح^۱، چگونگی آغاز جنبش را چنین می‌نویسد: «در سنه ۱۳۲۳ق مرحوم والد برای رسیدگی به امور ملکی و دیدار اقوام، از رشت به ضیابر رفتند. در آن تاریخ ... مرحوم شریف‌الممالک (عسکرخان) نایب‌الحکومه گسکرات بود به سبب امتناع مرحوم والد از

۱. حجة الاسلام آقای سید عبدالوهاب صالح، فرزند حجة الاسلام آقای سید صالح ضیابری بود در ضیابر متولد و در رشته فقه و اصول مجتهد بود در پی تشکیل انجمن عباسی به ریاست این انجمن رسید. از رهبران روحانی برجسته جنبش مشروطه‌خواهی گیلان بود و در طول جنبش دهقانی از منافع دهقانان حمایت نمود.

هرچند انقلاب ۱۹۰۶م نیز دگرگونی‌های نمایان در ساختار اجتماعی - اقتصادی ایران پدید نیاورد؛ برای مثال، مسئله زمین را که بر دهقانان کشور مهم‌تر از همه چیز دیگر بود، باز نگشود. می‌توان گفت که مناسبات فئودالی را همچنان از تعرض مصون نگاه داشت، با این همه، انقلاب تأثیر ژرف بر زندگی مردم بر جای گذاشت و آگاهی سیاسی آنها را افزایش داد و آنان را به مبارزه علیه خودکامگی فئودال‌ها برانگیخت. در حقیقت می‌توان گفت جنبش مشروطیت از محدوده شهرها فراتر رفت و دهات و دهاتیان را در بر گرفت. در مشروطه اول برخی از دهقانان با حمایت پیشه‌وران و کسبه جزء دست به اعتصاب‌هایی در همبستگی با نهضت انقلابی زدند. دهقانان در ابتدا برای اصلاحات به انجمن‌ها و مجلس امید بستند. به رغم بی‌سوادی عمومی حاکم در روستاها، بعضی از روستاییان می‌کوشیدند صدای خود را از طریق روزنامه‌های تهران و تبریز به گوش مردم برسانند. نامه‌هایی که توسط باسوادان جوامع روستایی یا هواداران شهری آنها نوشته می‌شد، اغلب با امضای عده زیادی همراه بود. بعضی از نامه‌ها را اعضای انجمن‌های شهری، از جمله اعضای انجمن‌های مجاهدین، به نمایندگی از جانب دهقانان می‌نوشتند، عده‌ای از نمایندگان مجلس نیز به نمایندگی از سوی موکلان دهقان خود شکوائیه می‌فرستادند (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۰۱). دهقانان ابتدا از طریق مسالمت‌آمیز و نوشتن شکوائیه‌های متعدد به مجلس، در پی به دست آوردن خواسته‌های خود شدند. در نمونه‌ای از تظلم‌خواهی گیلانیان در کتاب تاریخ بیداری، براساس تلگراف از رشت،

تسجیل نوشته‌ای که مورد علاقه مرحوم شریف‌الممالک بود، بین شریف‌الممالک و مرحوم والد اصطکاکی پیش آمد که موجب غارت املاک مرحوم والد و سادات ضیاءبر و تجاوز به نوامیس زارعین گردید... حوزه علمیه و طلاب که نزد مرحوم والد تلمذ می‌کردند، به حمایت از ایشان برخاستند و علیه شریف‌الممالک و سپهدار به طهران شکایت نمودند. هیئتی ثابت در بقعه خواهر امام رشت تحصن اختیار کردند. این وضع موجب کثرت مجتبعین و متحصنین می‌گردید و بازار رشت تقریباً به حالت نیمه تعطیل در آمده بود. روزی از طرف مخالفین نشریه‌ای انتشار یافت و سادات ضیاءبر را مفسده‌جوی نامید ... مرحوم حاج ملا محمد مجتهد صیقلانی حکمی شرعی صادر و مخالفت با مرحوم والد و سادات ضیاءبر را در حکم مخالفت با حضرت حجت (صاحب‌الزمان) عجل الله فرجه اعلام کرد. اثر این حکم بی‌اندازه شدید بود. سپهدار با شریف‌الممالک به عذرخواهی خدمت پدرم رسید و تعهد نمودند که همه خسارات وارده را بپردازند... در این اوان زمزمه (عدالتخواهی) در تهران تقویت می‌شد و مردم به مشروطیت سوق داده می‌شدند. پدرم همان‌روز، به هیئت اجتماع، به خواهر امام رفته و ناطقین جریان را به مردم و مجتبعین اعلام و یکجا به تلگرافخانه رفته و از شکایات شخصی که به دولت شده بود، انصراف خود را اعلام و اعلام نمودند که رشت و گیلان خواهان عدالت است و تا حصول مقصود از پای نخواهد نشست» (تدین، ۱۳۵۳: ۲۹۸-۳۰۱). بدین ترتیب، جنبش دهقانی گیلان قبل از صدور فرمان مشروطیت آغاز شد.

روز پنجشنبه غره شعبان‌المعظم ۱۳۲۴ چنین می‌خوانیم: «در مجلس شورای ملی حضور مبارک حجج‌الاسلام و پیشوایان دین عرض و استدعا می‌نماییم چون پس از تظلمات و دادخواهی اهالی طهران، به تفصیلی که مشهود خاطر مهر مظاهر ملوکانه افتاد و مکرر دستخط مرحمت آیت در آزادی و خلاص قاطعه اهالی ایران شرف صدور یافته و ما رعایای فقیر گیلانی که تاکنون دچار وضع سابق بودیم و نتوانستیم به جز وساطت و شفاعت یکی از دول خارجه و ایده اظهاری در آزادی و خلاصی خودمان حاصل نماییم، ناچار به قونسول‌خانه دولت انگلیس پناه برده و این عرض حال را به دارالشورای ملی تقدیم می‌داریم و عاجزانه استدعا می‌نماییم که اگر حکم آزادی در حق قاطعه رعایا شرف صدور یافته است، پس بقای استبداد حکومت و ملاحظه قوی از ضعیف و اغراض نفسانی و صدور احکام بی‌محابا نسبت به ما رعایای فقیر گیلان هست و اگر حکم مطاع دولت ابد آیت عمومی است، پس مقرر فرمایید که با فدویان همان معامله طهران‌ها را نموده و چنانچه آنها مشمول به عواطف ملوکانه گردیده‌اند، به وجود عدالت‌خانه نایل شدند، ما فدویان فقیر هم نایل به این نعمت بزرگ شده بر مراتب دعاگویی و شاه‌پرستی خودمان بیفزاییم» (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴: ۵۲۶). اما بعد از مدتی، چون دهقانان از حمایت مجلس ناامید شدند، اولین مقاومت خود را در مقابل مالکان، با ندادن بهره مالکانه و مالیات آغاز کردند و با آنان درگیر شدند. از نمونه چنین برخوردهایی در گزارش رابینو انعکاس یافته است: «کلیه کارهای رشت مغشوش است؛ تخم نوغان‌ها پول برای

خرید پيله را نمی‌دهند و رعایا در مقابل تعديت مالکین سری بیرون آورده‌اند. یک رعیت مالک ملک خود را زد، مالک در انجمن هم کتک خورده بیرون رفت» (رابینو، ۱۳۵۲: ۱۱). بعد از مدتی ابعاد جنبش گسترش بیشتری یافت. به لحاظ گستره جغرافیایی، جنبش از رشت آغاز شد و پس از صدور فرمان مشروطیت، دهقانان تمام مناطق گیلان به‌طور گسترده به خیزش برخاستند و به مدت دو سال و نیم جنبش آنان در مقابل اربابان ادامه یافت. جنبش دهقانی، سرتاسر نواحی جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی گیلان را فراگرفت و تقریباً تمام روستاهای گیلان به صحنه کشاکش میان دهقانان و مالکان مبدل شد. کانون اصلی جنبش دهقانی در دو شهر رشت و بندر انزلی بود و بیشترین درصد اعتراضات مربوط به پيله‌وران ابریشم بود. جنبش ابتدا با نپرداختن بهره مالکانه به اربابان آغاز شد که از سوی پيله‌وران ابریشم صورت گرفت: «اهالی گیلان ابریشم و مال‌الاجاره را مستمسک نموده، هیچانی دارند و احتمال می‌رود بدین مستمسک شورش برپا نمایند. اهالی دهات مایل به دادن اجاره به صاحبان املاک نیستند» (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱ / ۳۷). الغای تیول، انجام اصلاحات ارضی که در مجلس صحبت آن بود و از بین رفتن ظلم‌های اربابی از خواسته‌های اصلی دهقانان بود. دهقانان خواهان الغای تیول بودند چرا که از نظر آنها الغای تیول به معنی خاتمه دادن به سلطه مالکان و نیز دولت بر روستاییان بود. بعضی از روشنفکران رادیکال از تلقی دهقانان در مورد الغای تیول و حقوق ارضی آنها حمایت می‌کردند. ولی عده‌ای اساساً خواهان ملی شدن زمین بودند یعنی تمام روستاهایی که

در تحریک دهقانان موجب عزلشان از انجمن ملی گردید. آنان بعد از اخراج، انجمنی به نام انجمن ابوالفضل (عباسی) ایجاد کردند؛ انجمنی که در تمام مراحل جنبش، از یاری دهندگان اصلی جنبش دهقانی بود. میرزا رحیم به روستاها چنین نوشت: «که رعایا مال الاجاره خودشان را ندهند و پيله بالا، پيله مال حاجی رستم بادکوبه که به شهر می‌آوردند را گرفته، زیر لگد گذاشتند.» (رابینو، ۱۳۵۲: ۳۲)

از دیگر گروه‌های حمایت‌کننده دهقانان گیلان، فرقه اجتماعيون عاميون بود. این فرقه به عنوان نخستین حزب سیاسی ایران بعد از انقلاب مشروطه، شعبه‌های مختلف در گیلان ایجاد کرد. شعبه‌های اجتماعيون عاميون در گیلان به نام‌های فرقه یا انجمن مجاهدین (مجاهد) شناخته می‌شد. یکی از برنامه‌های فرقه، تقسیم املاک بزرگ کشاورزی در میان دهقانان و حمایت قانونی از مالکیت بر زمین بود (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۸۶). روزنامه نسیم شمال ارگان فرقه اجتماعيون عاميون، در شماره‌های مختلف خود، از ظلم و ستمی که اربابان به دهقانان داشتند صحبت می‌کرد و تلاش می‌نمود دهقانان را نسبت به وضعیت خود آگاه و به دفاع از حقوق خود دعوت کند.

«عید است مجال باغ گردیدن نیست
گل را به چمن خیال رویدن نیست
امسال ز لاله بوی خون می‌آید
بیدار شوید وقت خوابیدن نیست ...

ای دهقانان چشم و گوش بسته، ای زارعین دست و پای شکسته بدانید و آگاه باشید تا شما در

قبلاً از نظر حکومت تیول محسوب می‌شدند، زیر کنترل مجلس درآیند. (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۱۵)

از دیگر اقدامات دهقانان در برابر مالکان، تشکیل انجمن‌های محلی بود. مأموران دولتی و مالکان و مباشران حق ورود به دهات را نداشتند. انجمن‌های محلی برای تأمین مخارج دولتی یک پانزدهم محصول زمین دیمی را جمع‌آوری کرده، به انجمن‌های شهر فرستادند. عده‌ای از دست‌اندرکاران و ناظران انقلاب مشروطه و نیز دیپلمات‌های خارجی به وجود انجمن‌های روستایی در شمال ایران اشاره کرده‌اند. تقی‌زاده نیز که هم در مجلس اول و هم در مجلس دوم نماینده بود، درباره‌ی ظهور این انجمن‌ها و مشکلاتی که برای مجلس به وجود آوردند، نوشته است که مجلس در بهار ۱۹۰۷ قانونی را به تصویب رساند تا مانع رشد انجمن‌های روستایی شود. کم‌کم در همه‌ی بلاد ایران انجمن‌های روستایی برپا شد، تقریباً مثل مجلس ملی و ولایتی، در همه‌ی امور مداخله می‌کردند و مراکز انقلاب شده و به شکایات از دست مستبدین و خوانین و اعیان و علما و ملاکین رسیدگی و فقرا را حمایت می‌نمودند (پاولویچ؛ ایرانسکی، ۱۳۵۷: ۱۸؛ آفاری، ۱۳۸۵: ۱۹۳)

عناصر یاری دهنده جنبش دهقانی گیلان

در شکل‌گیری و شدت جنبش، گروه‌های مختلفی نقش داشتند. نخستین تحریک‌کنندگان دهقانان در جنبش، دو تن از اعضای انجمن ملی رشت به نام‌های میرزا رحیم شیشه‌بر و سید جلال‌الدین معروف به شهرآشوب بودند. هر دو مدتی نماینده اصناف در انجمن ملی رشت بودند، فعالیت آنان

تأکید می‌کردند. به‌طور مشخص گروه قاطعانه اعتقاد داشت که مشارکت فعال رعایا در حیات سیاسی کشور برای توسعه اقتصادی کشور ضروری است، به این خاطر آنها مقاله خطاب به دهقانان، نوشته گ. برامبولینی، نماینده سوسیالیست پارلمان ایتالیا، را به منظور استفاده از آن جهت تبلیغ سیاسی در میان دهقانان گیلان ترجمه و منتشر کردند. (شاکری و دیگران، ۱۳۸۲: ۴۹)

انجمن ولایتی گیلان هم که جانشین انجمن ملی شده بود، در آغاز از جنبش دهقانی دفاع کرد. در ابتدا انجمن ولایتی برای رفع مشکل بین دهقانان و مالکان جلسه‌ای ترتیب داد که برخی از نمایندگان انجمن در آن جلسه از حقوق دهقانان دفاع کردند. سخن یکی از نمایندگان انجمن - به نقل از روزنامه *انجمن ولایتی* - چنین بود: «ارباب چه حقی دارد در ملک مستأجر دخالت نماید؟ اختیار تخم نوغان باید با رعیت باشد مگر اینکه در اجاره شروط شده باشد. در خصوص مال‌الاجاره ابریشم که از قرار هر ده من پيله‌ای دوازده من به عوض یک من ابریشم گرفته شود، در این سه فقره باید گفتگو کرد. قرار صحیحی داده که رعیت آسوده شده، مالک هم تکلیف خود را بداند» (روزنامه *انجمن ولایتی گیلان*، ۱۳۲۵: ش ۱، ۳). اما در جمع‌بندی نهایی، اکثریت اعضاء انجمن، به دفاع از مالکین برخاستند و حکم به اطاعت دهقانان در مقابل اربابان دادند.

عکس‌العمل مالکان و پایان جنبش دهقانی

مالکان نخستین گروهی بودند که در مقابل عملکرد دهقانان واکنش نشان دادند. آنان نخست سعی نمودند اعتراض خود را به عملکرد دهقانان، از

خوابید، دشمن بیدار است، تا شما مستید، مستبد هوشیار است، تا شما جغدید، منزلتان ویرانه است، تا وقتی که زاغید، در باغ راه ندارید. تا شما می‌ترسید و چشم‌های شما را بسته‌اند، همیشه اسیر و ذلیل بوده‌اید، رنگ آزادی و آقایی را ندیده‌اید. امروز هم که به کمک امام زمان (عج) مشروطه‌طلبان چشم‌های شما را گشاده‌اند و آیت‌الله‌ها، فتوای جهاد داده‌اند، پس ای دهقانان بکشید تا شربت شهادت بنوشید، یا لباس آزادی بپوشید. ای دهاتی‌های بیچاره تمام غربی‌ها، تمام اروپایی‌ها وقتی که همه یک‌مرتبه از خواب بیدار شدند، هوشیار شدند، با هم مشورت کردند و مصلحت کردند» (نسیم شمال، ۱۳۲۷: ش ۲۹، ۴). می‌توان گفت نه تنها روزنامه نسیم شمال، بلکه دیگر روزنامه‌های وابسته به اجتماعيون عاميون نیز به پشتیبانی دهقانان آمدند. روزنامه *صور اسرافیل* در مقاله‌ای از ضرورت تقسیم زمین میان دهقانان سخن می‌گفت، نویسنده مقاله حرکت دهقانان گیلان را طلیعه شورش روستاییان ایرانی دید که به زودی سرتاسر کشور را فرا می‌گرفت. اما شاید هیچ‌یک از روزنامه‌نگاران عضو فرقه اجتماعيون مانند میرزا ابوذر وقایع‌نگار روزنامه *حبل‌المتین* به جنبش دهقانان گیلان توجه نشان نداد. او در مقالاتش از ظلم مالکان گیلان به دهقانان بسیار صحبت می‌کرد (یزدانی، ۱۳۹۲: ۲۳۷، ۲۳۸). بسیاری از اعضا و رهبران فرقه نیز در گیلان به حمایت از حقوق دهقانان برخاستند.

سوسیال دموکرات‌های گیلان از دیگر گروه‌های سیاسی بودند که به حمایت از جنبش‌های دهقانی پرداختند. این گروه به نقش انجمن‌ها، به‌ویژه انجمن‌های روستایی، برای آزاد کردن دهقانان

حمایت مجلس، بلکه از حمایت انجمن ملی رشت و انجمن جایگزین آن، انجمن ولایتی، برخوردار بودند. انجمن ولایتی در آغاز، برای حل مشکلات دهقانان با مالکان، تلگراف‌هایی به مجلس فرستاد و خواستار رسیدگی مجلس در مسائل مورد کشمکش میان اربابان و دهقانان شد. مالکین هم در شکایت خود به مجلس، دهقانان را بی‌علم معرفی کردند و مدعی شدند که رعیت ما نمی‌داند که معنی مشروطیت چیست؟ و می‌پندارند که باید مال مردم را خورد و بهره‌ی شرعی مالک را هم نداد (روزنامه مجلس، ۱۲۸۶: ش ۱۴۷، ۲). صنیع‌الدوله یکی از نمایندگان مجلس، در جواب انجمن ولایتی گیلان گفت: «مردم گیلان معنی مشروطیت را خوب نفهمیده‌اند» (آدمیت، ۱۳۸۷: ۴۷۷). به نظر آدمیت، قضیه این نبود که آیا گیلانی‌ها مفهوم درست مشروطگی را دریافته‌اند یا نه؟ بلکه در عصر مشروطه زارع دست خویش را آزاد یافته و به فکر حفظ حقوق خود برآمده بود. از بیگاری و بندگی اربابان سرپیچی می‌کرد و می‌خواست خوش‌نشین باشد. اما مجلس، در حکمی که به انجمن ولایتی نوشت، خواستار تفهیم اصول مشروطیت به مردم گیلان و رفع اغتشاش شد (آدمیت، ۱۳۸۷: ۴۷۷). انجمن ولایتی هم از فرمان مجلس پیروی نمود. تنها کاری که انجمن ولایتی گیلان در حق دهقانان نمود، حذف برخی از رسوم و اختلافات جزئی میان ارباب و دهقان بود. از جمله رسوم حذفی می‌توان به آزادی دهقانان در عقد و نکاح دخترانشان، بدون اذن مالک، حذف گرفتن تخم مرغ و دادن اختیار تخم نوغان به رعیت اشاره نمود. (روزنامه انجمن ولایتی، ۱۳۲۵:

طریق انجمن ملی پی‌گیری کنند. سپس انجمن‌های ملاکان را در مقابل انجمن‌های محلات (بلوکات) که روستاییان تشکیل داده بودند، ایجاد کردند و جهت جلوگیری از جنبش دهقانان، در تلگراف‌های متعدد از مجلس یاری خواستند. اولین اقدام مجلس فرستادن یکی از نمایندگان به نام حسام‌الاسلام به گیلان، جهت تحقیق اوضاع بود. حسام‌الاسلام روزی به منبر رفت و انجمن عباسی را باعث آشفتگی‌های گیلان معرفی کرد. او در سخنرانی خود گفت که مجلس ملی نخواهد گذاشت که رعایا اموال مالکین را بخورند (میرابوالقاسمی، بی‌تا: ۱۳۳). دومین اقدام مجلس برگزاری سلسله مشاوره‌هایی جهت بررسی به اغتشاش بین دهقانان و ملاکین بود. در این زمان مجلس قصد انجام اصلاحات ارضی را داشت، که البته هدف عمده از انجام این اصلاحات افزایش درآمد حکومت و متعادل کردن بودجه بود. سرانجام مجلس تسلیم فشار زمین‌داران و سیاستمداران ثروتمند شد و با تشکیل شوراها در شهرهای کوچک و روستاها مخالفت کرد و حتی در مواردی مثل گیلان، برای انحلال آنها قشون اعزام کرد. تخمیناً دویست نفر قزاق، برای برچیدن انجمن‌های دهات، از طهران به گیلان وارد شدند (رایینو، ۱۳۵۱: ۴۳). درواقع اگر این انجمن‌های روستایی تثبیت می‌شدند، دهقانان قدرت رویارویی با مالکان و مابشران را پیدا می‌کردند. مالکان با هرگونه انجمن و گروهی که به آزادی دهقانان کمک می‌نمود، مخالف بودند. برای آنان، آزادی دهقان مترادف با آزادی از مالیات و آزادی از استثمار بود. مالکان در مخالفت با رعایا، نه تنها از

ش ۱، ۲)

سیاسی چون انجمن ابوالفضلی، فرقه اجتماعيون عاميون و سوسیال دموکرات‌ها، نقش مهمی ایفا کردند. در کنار این عوامل، نفوذ پیام مشروطیت و اندیشه دموکراسی اجتماعی در میان روستاییان و بیداری طبقاتی دهقانان نیز سهم بسزایی داشت. جنبش دهقانان در ابتدا با نپرداختن بهره مالکانه آغاز شد و پس از مدتی رعایا موفق شدند، مالکان را از روستاها اخراج کنند و برای دفاع از حقوق خود، انجمن‌های روستایی تشکیل دهند. در طرف مقابل، مالکین هم انجمن‌های ملاکین را تشکیل دادند و در مبارزه علیه دهقانان توانستند، حمایت انجمن ولایتی گیلان و مجلس را به خود جلب کنند. با وجود پیروزی‌های اولیه دهقانان در مقابل اربابان، به دلیل عدم حمایت انجمن ولایتی گیلان و مجلس از دهقانان و شروع استبداد صغیر، و عدم رهبری درست جنبش، جنبش‌های دهقانی توسط آقا بالاخان، حاکم مستبد گیلان، با همکاری مالکان و نیروهای اعزامی از پایتخت، شکست خورد و به پایان رسید و بار دیگر نظام ارباب - رعیتی در روستاهای گیلان حاکم شد.

جنبش دهقانی گیلان دوسال و تا زمان استبداد صغیر، ادامه یافت. در نخستین هفته‌ها و ماه‌های پس از کودتای محمد علی‌شاه، توسط آقا بالاخان سردار افخم، حکمران گیلان و همکاری مالکان سرکوب گردید. در کتاب آبی درخصوص پایان کار جنبش چنین آمده است: «حکومت، کسانی که رعایا را به سرپیچی و امتناع از دادن سهم عایدات ملکی تحریک می‌نمودند، گرفتار کرد. هر چند صاحبان املاک مبلغ کثیری متضرر شدند اما تمام ولایات را آرامش فراگرفت» (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱/۶۶). از آنجا که نه نهضت مشروطه، ضد استبداد ملاکان بود و نه حتی مجلس ملی در آن دوره تاریخی امکان آن را داشت که علیه منافع مالکین کاری اساسی از پیش ببرد، جنبش دهقانی مغلوب شد. جنبش دهقانی نماد حقانیت و مظلومیت روستاییان گیلان علیه ظلم‌های بیش از اندازه اربابان بود. علی‌رغم شکست دهقانان، بر آگاهی دهقانان گیلان در دفاع از حقوقشان افزوده شد.

نتیجه‌گیری

از جنبش‌های مهم عصر مشروطه در گیلان، جنبش دهقانان بود. دهقانان گیلان که از همه حقوق فردی و اجتماعی محروم بودند و ظلم و اجحافات پیش از اندازه اربابان را تحمل می‌کردند، هم‌زمان با مشروطه، همگام با دیگر گروه‌های سیاسی به مبارزه با استبداد برخاستند. در عصر مشروطه، جنبش دهقانی گیلان تقریباً در سراسر منطقه گسترش یافت و توانست در ابتدا موفقیت‌هایی در مقابل مالکین (اربابان) به دست آورد. در شکل‌گیری و گسترش جنبش گروه‌ها و احزاب

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۷). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*. چاپ اول. تهران: گستره.
- آفاری، ژانت (۱۳۸۵). *انقلاب مشروطه ایران*. ترجمه رضا رضایی. چاپ سوم. تهران: بیستون.
- اشرف، احمد (۱۳۵۲). *مشخصات اقتصادی اجتماعی نظام بهره‌برداری کشاورزی در ایران*. تهران: سازمان برنامه و بودجه مرکز آموزش برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
- اشرف، احمد؛ بنو عزیزی، علی (۱۳۹۳). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی. چاپ سوم. تهران: نیلوفر.

به کوشش احمد بشیری. جلد ۱. چاپ دوم. تهران: نشر نو.

کتاب نارنجی (گزارش‌های سیاسی وزارت امور خارجه درباره انقلاب مشروطه ایران) (۱۳۶۷). به کوشش احمد بشیری. جلد ۴. چاپ اول. تهران: نشر نور.

لمبتون، آ.ک. س (۱۳۷۷). مالک و زارع در ایران. ترجمه منوچهر امیری. چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.

مراغه‌ای، زین العابدین (۱۳۵۳). سیاحتنامه ابراهیم بیگ. با حواشی باقر مؤمنی. چاپ سوم. تهران: نشر اندیشه.

مؤمنی، باقر (۱۳۵۹). مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران. چاپ اول. تهران: نشر پیوند.

میرابوالقاسمی، سید محمد تقی (بی تا). گیلان از انقلاب مشروطیت تا روزگار ما. رشت: نشر هدایت.

ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۸۴). تاریخ بیداری ایرانیان. به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی. چاپ هفتم. تهران: امیرکبیر.

ولی، عباس (۱۳۸۰). ایران پیشا سرمایه داری. ترجمه حسن شمس آوری. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.

روزنامه

روزنامه آموزگار، ۱۳۲۹: شماره ۲.

روزنامه انجمن ولایتی گیلان، ۱۳۲۵: شماره ۱.

روزنامه مجلس، ۱۲۸۶: جلد ۲، شماره ۱۴۷.

روزنامه نسیم شمال، ۱۳۲۷: شماره‌های ۲۹ و ۵۴.

پاولویچ، م؛ ایرانسکی، تریا. س (۱۳۵۷). سه مقاله درباره انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه م هوشیار. چاپ اول. تهران: نشر حبیبی.

تدین، عطاء الله (۱۳۵۳). نقش گیلان در نهضت مشروطیت ایران. چاپ اول. تهران: فروغی.

خسروی، خسرو (۱۳۵۵). پژوهشی در جامعه روستایی ایران. چاپ اول. تهران: پیام.

رابینو، هل ل (۱۳۵۲). مشروطه گیلان به انضمام وقایع در ۱۳۳۰ هـ. ق. به کوشش محمد روشن. چاپ اول. رشت: نشر طاعتی.

رواسانی، شاپور (۱۳۹۰). دولت و حکومت در ایران. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

سوداگر، محمد (۱۳۵۹). نظام ارباب - رعیتی در ایران. چاپ دوم. تهران: پازند.

شاکری، خسرو (۱۳۸۴). پیشینه‌های اقتصادی، اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی. چاپ اول. تهران: اختران.

شاکری، خسرو؛ چلنگریان، آرشای؛ درویش، تیگران و ... (۱۳۸۲). نقش ارامنه در سوسیال دموکراسی ایران (۱۹۰۵-۱۹۱۱). به کوشش محمدحسین خسروپناه. چاپ اول. تهران: شیرازه.

عیسوی، چارلز (۱۳۸۸). تاریخ اقتصادی ایران. ترجمه یعقوب آژند. چاپ سوم. تهران: گستره.

فومنی، عبدالفتاح (۱۳۴۹). تاریخ گیلان. به تصحیح منوچهر ستوده. چاپ اول. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

کتاب آبی (گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطیت ایران) (۱۳۶۳).